****

[احکام اوقات 2](#_Toc497575631)

[ادامه مسأله هشتم 2](#_Toc497575632)

[تصحیح اخلال به ترتیب بعد از رکوع رکعت رابعه عشاء 2](#_Toc497575633)

[وجه أول 2](#_Toc497575634)

[مناقشه 2](#_Toc497575635)

[وجه دوم 3](#_Toc497575636)

[مناقشه أول 3](#_Toc497575637)

[مناقشه دوم 4](#_Toc497575638)

[مناقشه سوم 5](#_Toc497575639)

[جواب از مناقشه سوم 5](#_Toc497575640)

[مناقشه چهارم 6](#_Toc497575641)

[جواب 6](#_Toc497575642)

[وجه سوم 8](#_Toc497575643)

[مناقشه 8](#_Toc497575644)

[وجوه خلاف قاعده بودن اقحام صلاة فی صلاة 8](#_Toc497575645)

[وجه أول 9](#_Toc497575646)

[وجه دوم 9](#_Toc497575647)

[وجه سوم 9](#_Toc497575648)

[نتیجه بحث از وجوه تصحح نماز عشاء 10](#_Toc497575649)

**موضوع**: مسأله هشتم/نسیان ترتیب تا رکوع رکعت رابعه عشاء /احکام اوقات /کتاب الصلاة

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## احکام اوقات

## ادامه مسأله هشتم

بحث راجع به این بود که اگر کسی وارد نماز عشاء بشود و بعد از قیام به رکعت رابعه ملتفت شود که نماز مغرب را به جا نیاورده است چه حکمی دارد؟؛ عرض کردیم تارةً وارد رکوع رکعت رابعه شده است و تارةً بعد از رکوع رکعت رابعه است:

در فرضی که وارد رکوع رکعت رابعه شده است؛

مشهور گفته اند نماز باطل است و صاحب عروه نیز در مسأله سوم از اوقات فرمودند نماز باطل است ولی در اینجا احتیاط واجب کرده اند که این نماز را احتیاطاً به عنوان عشاء تمام کند و بعد هم نماز مغرب و هم نماز عشاء را بخواند.

### تصحیح اخلال به ترتیب بعد از رکوع رکعت رابعه عشاء

وجوهی برای تصحیح این نماز به عنوان نماز عشاء ذکر شده بود؛

### وجه أول

**مرحوم امام فرمودند؛** ماهیّت نماز عشاء مشروط به سبق نماز مغرب است نه این که کل جزء جزء مشروط به سبق نماز مغرب باشد؛ لذا اگر بعد از رکوع رکعت رابعه ملتفت شود که نماز مغرب را نخوانده است، ظرف اخلال به شرط ترتیب، گذشته است و بعد از آن اخلالی به شرطیّت ترتیب نمی زند زیرا ماهیّت نماز عشاء قبلاً محقّق شد و در آن وقت هم نسبت به اخلال به شرط ترتیب ناسی بود و حدیث لاتعاد آن را گرفت.

#### مناقشه

**که ما از این وجه جواب دادیم؛**

ظاهر «إلا أنّ هذه قبل هذه» این است که العشاء مشروطة بسبق المغرب و این معنا بر تمام رکعات نماز عشاء منطبق است مثل سایر شرایطی که بیان می کنند؛لا صلاة إلا نحو القبلة، یجب فی الصلاة الستر اگر کسی بعد از تحقّق ماهیّت نماز ملتفت شد که ساتر واجب را ندارد آیا به نظر امام ره، این شخص می تواند نماز خودش را بدون ساتر ادامه دهد، یا در آنجا می فرمایند ساتر شرط طبیعت نماز است و طبیعت نماز یعنی کلّ نماز، با أجزاء متّحد است به نحو اتّحاد کل و أجزاء؟!

لذا این فرمایش تمام نیست.

### وجه دوم

**آقای سیستانی فرموده اند:**

ما حدیث لاتعاد را ولو مع الالتفات فی أثناء العمل جاری می دانیم و وجهی ندارد که مثل مشهور مقیّد به خصوص ناسی کنیم و یا مثل مرحوم خویی مقیّد به ناسی و جاهل غیر ملتفت به خلل در حال خلل، کنیم، بلکه شامل جاهل ملتفت به خلل هم می شود؛ هر گاه در غیر ارکان نماز اخلال وارد کنیم که اگر حدیث لاتعاد جاری نشود مجبوریم نماز را اعاده کنیم در این صورت حدیث لاتعاد جاری می شود و می گوید لاتعاد الصلاة.

**و لذا ایشان فرموده اند:** اگر کسی تکبیر نماز را بگوید و ما یصح السجود نماز را از دست بدهد و ما اضافه کردیم که «یا یادش آمد که از ابتدای نماز فراموش کرد که مهر را همراه خودش بردارد» و الآن هم هیچ راهی برای تصحیح این نماز جز اعاده نماز ندارد حدیث لاتعاد شاملش می شود و نماز را تا آخر با سجده بر فرش ادامه می دهد.

یا مثلاً اگر مردی به نماز ایستاد بعد متوجّه شد که زنی هم پیش او ایستاده است و راه پس و پیشی هم ندارد و جلوی او دیوار است، آقای سیستانی می فرمایند که باید نماز را تمام کند و لاتعاد در حقّ او جاری می شود.

**ما نحن فیه هم همین گونه است**: کسی که وارد رکوع رکعت رابعه شده است دیگر نمی تواند به نماز مغرب عدول کند و اگر بخواهد شرطیّت ترتیب را مراعات کند باید نمازش را اعاده کند و دوباره بخواند، در اینجا هم حدیث لاتعاد جاری می شود و می گوید اخلال به شرط ترتیب هر چند بعد از رکوع رکعت رابعه از روی التفات است ولی اشکال ندارد و اعاده نماز لازم نیست.

#### مناقشه أول

**این فرمایش آقای سیستانی اشکال دارد؛**

**أولاً:** شما معتقد هستید که زیادی سهوی رکوع مبطل نماز نیست مثل امام ره که در کتاب الخلل فرموده اند، شما فرموده اید که زیادی سهوی رکوع، داخل در مستثنی منه حدیث لاتعاد است نه این که داخل در مستثنی باشد. چیزی که از حدیث لاتعاد استثناء شده است نقیصه رکوع و سجود است زیرا آنچه فریضه است، «یا أیّها الذین آمنوا ارکعوا و اسجدوا» خود رکوع و سجود فریضه است و در قرآن نیامده است که: «و لاتزید الرکوع» بلکه این نهی در سنّت آمده است و لذا نهی از زیادی رکوع با سنّت ثابت شده است و اخلال به مانعیّت زیادی رکوع، اخلال به سنّت است و مشمول حدیث لاتعاد است.

حال در باب نماز چون دیده اند، مشهور نظر دیگری دارند، احتیاط واجب کرده اند ولی در جای دیگر که شهرت مطرح نبوده است طبق این مبنا فتوا داده اند؛ «من زاد فی طوافه شوطاً ولو سهواً» در این بحث گفته اند ذیل حدیث لاتعاد یعنی «السنّة لاتنقض الفریضة» شامل این صورت می شود و اعاده لازم نیست، با این که در روایت داریم: «الطَّوَافُ الْمَفْرُوضُ إِذَا زِدْتَ عَلَيْهِ- مِثْلُ الصَّلَاةِ الْمَفْرُوضَةِ إِذَا زِدْتَ عَلَيْهَا- فَعَلَيْكَ الْإِعَادَةُ وَ كَذَلِكَ السَّعْيُ[[1]](#footnote-1)».

لذا طبق این مبنا که زیادی رکوع یا زیادی در نماز مبطل نیست (بر خلاف زیادی رکعت که مبطل است) چرا می گویید نمی شود این نماز را به عنوان نماز مغرب تمام کرد؟ طبق مبنای شما فرقی بین قیام به رکعت رابعه و رکوع رکعت رابعه نیست و در هر دو صورت تنها زیادی غیر مبطل انجام شده است و می تواند بر گردد و نماز را سه رکعتی به عنوان نماز مغرب تمام کند و به جای زیادی سهوی، سجده سهوبه جا بیاورد؛ پس چگونه می فرمایید یتمّها عشاءً؟!

#### مناقشه دوم

**ثانیاً: اشکال دوم اشکال مبنایی است؛**

ما معتقدیم حدیث لاتعاد منصرف به کسی است که به شرط واجب عن عذر اخلال می ورزد، و کسی که در بعض وقت مضطرّ است و در تمام وقت مضطرّ نیست اخلالش به شرط عن عذرٍ نیست و عرف به او می گوید مگر واجب است که الآن نماز بخوانی؟

**مثلاً** اگر تکبیر نماز را گفتی و ساتر شما کنار رفت و راهی برای برداشتن آن جز استقبال قبله نداشته باشید و ناظر محترمی هم در آنجا نیست؛ چرا این نماز را ادامه می دهی؟ اخلال شما به شرطیّت ساتر عن عذرٍ نیست زیرا مضطرّ در تمام وقت نیستی و السنّة لاتنقض الفریضة از مورد شما انصراف دارد و به این معنا است که «من نسی السنّة أو جهل بها أو اضطرّ إلی ترک السنّة» و شما مضطرّ به ترک سنّت نیستی و سنّت فقط این نبود که نماز أول وقت بخوانی و در آن ساتر داشته باشی بلکه صرف الوجود نماز با ساتر واجب بود.

**آیا آقای سیستانی** در فرضی که شخص در أثنای نماز مضطرّ می شود که فریاد بزند که مثلاً «مواظب بچّه باش که داخل حوض نیفتی»، در این فرض می گوید که چون مضطرّ به تکلّم بوده است دیگر نماز اعاده نمی شود؟! این، بعید است و حدیث لاتعاد از این فرض ها انصراف دارد.

اضطرار باید در تمام وقت باشد، اضطراری که می توانید به واسطه آن، نماز را ترک کنید و اخلال به شرط نزنید و نماز دیگر بخوانید از اضطرار فی بعض الوقت انصراف دارد.

#### مناقشه سوم

**دقّت کنید که ما به آقای سیستانی اشکال وارد نمی کنیم که حدیث لاتعاد انصراف دارد به کسی که در هنگام خلل ملتفت به خلل نیست**؛

**توضیح این که:** برخی وقتی به این مبنا اشکال می گیرند از فرمایش مرحوم خویی استفاده می کنند که می فرماید لاتعاد از شخص ملتفت انصراف دارد و ظاهر لاتعاد این است که کسی در هنگام خلل فکر می کرد که نمازش صحیح است و بعد از خلل ملتفت شد، در این صورت، این شخص مقتضی این را دارد که نماز را اعاده کند و در اینجا حدیث لاتعاد می گوید اعاده نماز واجب نیست. ولی اگر کسی به خلل ملتفت است چنین کسی أصلاً از ابتدا مقتضی دارد که این نماز را نخواند نه این که مقتضی دارد این نماز را اعاده کند تا حدیث لاتعاد بگوید این نمازی که جایش بود اعاده کنی، اعاده لازم ندارد.

##### جواب از مناقشه سوم

**ما این اشکال را بیان نمی کنیم** زیرا آقای سیستانی جواب می دهند که مهم برای ما تعلیل ذیل حدیث است که «السنّة لاتنقض الفریضة» مهم، لفظ لاتعاد نیست.

**بلکه اشکال ما به آقای سیستانی این است که**:

«السنّة لاتنقض الفریضة» هم مثل لاتعاد، انصراف به اخلال به سنّت عن عذرٍ دارد، و سنّت، یعنی صرف الوجود ستر فی الصلاة، و شما ملزم نیستید که این نماز را بخوانید. و لذا خود آقای سیستانی در فرضی که قبل از نماز، شخص ملتفت شود که الآن نمی تواند با ساتر نماز بخواند، می فرماید باید نماز را تأخیر بیندازد با این که نسبت به این فرد از نماز اضطرار پیدا کرده است. حال اگر تکبیر را گفت باز ملزم نیست که نماز را ادامه دهد و می تواند نماز دیگری بخواند.

السنّة لاتنقض الفریضة انصراف به جایی دارد که «أخلّ بالسنّة عن عذر» و عذر شامل اضطرار فی بعض الوقت نمی شود برای جایی که صرف الوجود نماز بین الحدّین واجب است و عذر برای جایی است که در کل وقت نتوانید این نماز را طبق شرایط بیاورید.

**اشکال دیگری که به فرمایش آقای سیستانی بیان می شود؛**

حدیث لاتعاد أصلاً شامل أثنای نماز نمی شود و این اشکال، غیر از اشکال مرحوم خویی است که فرمودند لاتعاد از شخصی که در حال خلل ملتفت به آن است، انصراف دارد. مرحوم خویی می فرمود مثلاً زنی ملتفت شد که موی او از چادر بیرون است، یک لحظه طول می کشد تا موی خود را زیر چادر ببرد و این یک لحظه، لحظه ای است که از روی التفات به شرطیّت ستر، خلل ایجاد می کند و حدیث لاتعاد شاملش نمی شود ولی اگر موقعی ملتفت شود که چادر این زن روی مو آمده و موی سر پوشانده شده است که در این صورت با این که ابتدای نماز مویش بیرون بود ولی چون ملتفت نبود حدیث لاتعاد شاملش می شود و وقتی هم که ملتفت شد دیگر موی سرش پوشانده شده بود.

#### مناقشه چهارم

**این مستشکل، یعنی صاحب کتاب مبانی منهاج الصالحین قدس سره، چنین می گوید که:**

حدیث لاتعاد أصلاً شامل أثنای نماز نمی شود زیرا اعاده به معنای تکرار نماز است و باید نماز تمام شود تا بگویند لازم نیست آن را تکرار کنی. و اگر بخواهند بگویند که در وسط نماز، نماز باطل است و باید دوباره بخوانی تعبیر به استأنف الصلاة می کنند.

##### جواب

**به نظر ما این اشکال، وارد نیست؛**

**أولاً:** هم خلاف ظهور عرفی است؛ وجداناً احساس می کنیم که اگر در أثنای نماز هم، نماز قطع شود و دوباره شروع شود اعاده نماز صدق می کند.

و هم خلاف روایات است: روایات متعدّدی داریم که در أثنای نماز تعبیر به «اعاده» می کند:

صحیحه محمد بن مسلم؛وَ عَنْهُ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: ذَكَرَ الْمَنِيَّ وَ شَدَّدَهُ وَ جَعَلَهُ أَشَدَّ مِنَ الْبَوْلِ ثُمَّ قَالَ- إِنْ رَأَيْتَ الْمَنِيَّ قَبْلَ أَوْ بَعْدَ مَا تَدْخُلُ فِي الصَّلَاةِ- فَعَلَيْكَ إِعَادَةُ الصَّلَاةِ وَ إِنْ أَنْتَ نَظَرْتَ فِي ثَوْبِكَ- فَلَمْ تُصِبْهُ ثُمَّ صَلَّيْتَ فِيهِ ثُمَّ رَأَيْتَهُ بَعْدُ- فَلَا إِعَادَةَ عَلَيْكَ وَ كَذَلِكَ الْبَوْلُ.[[2]](#footnote-2)

در این روایت تعبیر می کند: « إِنْ رَأَيْتَ الْمَنِيَّ قَبْلَ أَوْ بَعْدَ مَا تَدْخُلُ فِي الصَّلَاةِ- فَعَلَيْكَ إِعَادَةُ الصَّلَاةِ » یعنی بعد از این که داخل نماز شد و أثنای نماز قرار گرفت اگر منیّ را دید باید نماز را اعاده کند.

قبل از نماز اگر منیّ را دیدی و فراموش کردی یا وارد نماز شدی و منیّ را دیدی نماز را رها کن و از نو شروع کن و اعاده کن.

صحیحه زراره؛ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ قَالَ: قُلْتُ أَصَابَ ثَوْبِي دَمُ رُعَافٍ أَوْ شَيْ‌ءٌ مِنْ مَنِيٍّ- إِلَى أَنْ‌ قَالَ إِنْ رَأَيْتُهُ فِي ثَوْبِي وَ أَنَا فِي الصَّلَاةِ- قَالَ تَنْقُضُ الصَّلَاةَ وَ تُعِيدُ إِذَا شَكَكْتَ فِي مَوْضِعٍ مِنْهُ ثُمَّ رَأَيْتَهُ- وَ إِنْ لَمْ تَشُكَّ ثُمَّ رَأَيْتَهُ رَطْباً- قَطَعْتَ وَ غَسَلْتَهُ ثُمَّ بَنَيْتَ عَلَى الصَّلَاةِ- لِأَنَّكَ لَا تَدْرِي لَعَلَّهُ شَيْ‌ءٌ أُوقِعَ عَلَيْكَ- فَلَيْسَ يَنْبَغِي أَنْ تَنْقُضَ الْيَقِينَ بِالشَّكِّ.[[3]](#footnote-3)

ظاهر «تعید» یعنی تعید الصلاة.

روایت عبدالله بن سنان: مُحَمَّدُ بْنُ إِدْرِيسَ فِي آخِرِ السَّرَائِرِ نَقْلًا مِنْ كِتَابِ الْمَشِيخَةِ لِلْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنْ رَأَيْتَ فِي ثَوْبِكَ دَماً- وَ أَنْتَ تُصَلِّي وَ لَمْ تَكُنْ رَأَيْتَهُ قَبْلَ ذَلِكَ فَأَتِمَّ صَلَاتَكَ- فَإِذَا انْصَرَفْتَ فَاغْسِلْهُ قَالَ- وَ إِنْ كُنْتَ رَأَيْتَهُ قَبْلَ أَنْ تُصَلِّيَ فَلَمْ تَغْسِلْهُ- ثُمَّ رَأَيْتَهُ بَعْدُ وَ أَنْتَ فِي صَلَاتِكَ- فَانْصَرِفْ فَاغْسِلْهُ وَ أَعِدْ صَلَاتَكَ.[[4]](#footnote-4)

**نگویید**: استعمال أعم از حقیقت است و شاید مجازاً استعمال شده است؛

**زیرا** انسان از این تعبیرات احساس مجاز نمی کند.

**ثانیاً:** بر فرض لاتعاد صدق نکند آقای سیستانی می فرماید برای ما عموم تعلیل مهم است: السنّة لاتنقض الفریضة.

لذا مهم در اشکال به آقای سیستانی، انصراف السنة لاتنقض الفریضة است به این که شخص در حال اخلال به واجب نماز، به این اخلال ملتفت شود. و در بحث نماز عشاء بعد از رکوع رکعت رابعه این شخص با التفات و با علم می خواهد نماز را ادامه دهد و شرطیّت ترتیب بعد از رکوع رکعت رابعه را، از روی التفات، مختلّ می کند و این مشمول حدیث لاتعاد نیست.

**تذکّر؛** حدیث لاتعاد مختصّ به مضطرّ نیست و شامل ناسی و جاهل می شود که این دو بلا اشکال اگر در ابتدای وقت، غیر رکن را ترک کنند، لاتعاد شاملش می شود زیرا ناسی و جاهل در ابتدای وقت هم صادق است ولی کسی که در حال التفات به خلل می گوید من مضطرّ هستم: اینجا اضطرار صدق نمی کند و در این فرض عرف می گوید اضطراری نداری زیرا می توانی نماز دیگری بخوانی. و اگر شک هم کنیم کافی است که نتوانیم به السنّة لاتنقض الفریضة تمسّک کنیم.

### وجه سوم

**مرحوم نائینی برای تصحیح نماز عشاء فرموده اند؛**

اگر کسی جریان حدیث لاتعاد در این نماز را نپذیرد، راه حلی داریم و آن این که توقّفی کند و تکبیر نماز مغرب را بگوید و نماز مغرب را بخواند و بعد از سلام نماز مغرب، برگردد و نماز عشاء را از همان جا که ناقض گذاشت، تمام کند. و این، اقحام و ادخال صلاةٍ فی صلاةٍ می باشد. لذا در انتهای رکعت رابعه عشاء شرط ترتیب محقّق می شود.

#### مناقشه

ولی این وجه هم اشکال دارد؛

**أولاً:** أخصّ از مدّعا است؛ زیرا اگر به رکوع رفته اید و هنوز ذکر رکوع را نگفته اید و ملتفت شدید هنوز نماز مغرب را نخوانده اید؛ اگر ذکر رکوع را بگویید، استمرار در نماز عشاء با اخلال به شرطیّت ترتیب به طور عمدی کرده اید و اگر ذکر رکوع را نگویید اخلال به ذکر رکوع است و اگر بخواهید بعد از نماز مغرب دوباره به رکوع برگردید و ذکر را بگویید در این صورت هم زیادی عمدی رکوع لازم می آید.

بله اگر از رکوع سر برداشتید و ملتفت شدید که نماز مغرب را نخوانده اید در اینجا جا دارد که اقحام انجام شود و بعد از سلام برخیزد و از حال قیام به سجود رکعت رابعه عشاء برود، در این صورت اشکال أول وارد نخواهد بود.

**ثانیاً:** اقحام صلاةٍ فی صلاةٍ خلاف قاعده است و تنها در نماز آیات و نماز فریضه نصّ وارد شده است که: اگر در أثنای نماز فریضه در سعه ی وقت، زلزله یا خسوف و کسوف شد و می ترسی که اگر نماز فریضه را تمام کنی وقت نماز آیات می گذرد؛ در این صورت روایت می گوید: نماز فریضه را متوقّف کن و نماز آیات را شروع کن و بعد از نماز آیات همان نماز فریضه را تمام کن. و یا برعکس؛ در أثنای نماز آیات بودی و احساس کردی که وقت تنگ است که ابتدا نماز فریضه را می خوانی و بعد بر می گردی و نماز آیات را اتمام می کنی.

ولی جایی که نصّ خاص نداریم، نمی توانیم اقحام را مطرح کنیم و باید طبق متعارف عمل کنیم و تمام ضوابط را مراعات کنیم.

#### وجوه خلاف قاعده بودن اقحام صلاة فی صلاة

**اقحام صلاةٍ فی صلاةٍ خلاف قاعده است و وجوهی برای آن ذکر شده است؛**

##### وجه أول

**که محقق عراقی ذکر می کند این است که:**

نماز مشتمل بر سلام است و سلام تکلّم به کلام آدمی است و اگر در محلّ خودش نباشد مبطل نماز است، و سلام نماز مغرب نسبت به نماز عشاء، سلام در غیر محلّ است.

##### وجه دوم

**که مرحوم خویی ذکر کرده است؛**

از روایات استفاده کرده ایم که السجود زیادة فی المکتوبة می گوید در نماز آیه سجده دار نخوان زیرا مجبور می شوی سجده بروی و سجده تلاوت، زیادی در مکتوبه محسوب می شود با این که قصد جزئیّت این سجود نسبت به نماز، را نداری. لذا به طریق أولی این گونه می شود که «الرکوع زیادة فی المکتوبة» زیرا سجود نصف رکن است و رکوع یک رکن کامل است. لذا رکوع و سجود ولو به قصد جزئیّت برای نماز نباشد، زیادی در مکتوبه است: و لذا در محل بحث، هر چند قصد جزئیّت رکوع و سجود، برای نماز عشاء نداریم و آن را برای نماز مغرب می خوانیم، ولی دلیل می گوید من زاد فی صلاته فعلیه الإعاده، و در ضمن نماز عشاء زیادی حاصل شد.

با این بیان مرحوم خویی می فرمایند: اگر کسی نماز بی سجده و بی رکوع در وسط نماز انجام دهد اشکال ندارد: مثلاً در وسط نماز جنازه ای را بیاورند و عجله دارند و از این نمازگزار می خواهند که نماز میّت بر جنازه بخواند، که در این صورت نماز میّت را شروع می کند زیرا نه رکوعی و نه سجودی دارد و با نماز میّت قصد خروج از نماز هم ندارد و قصد جزئیّت هم ندارد و لذا بعد از آن، نماز را ادامه می دهد. و چون سلام هم ندارد و تنها ذکر الله و ذکر الرسول و دعا است محقق عراقی هم نباید اشکال کند و باید نماز میّت را در وسط نماز غیر مبطل بداند.

روایت داریم که اگر زن در وسط نماز بچه را شیر دهد، یا انسان ماری را در وسط نماز بکشد، یا لباسش را وسط نماز آب بکشد و بیاید، برای نماز اشکالی ندارد و این جور افعال ماحی صورت نماز نیست.

##### وجه سوم

**که بعید نمی دانیم و شامل نماز میّت هم می شود این است که؛**

اقحام صلاة فی صلاة خلاف ارتکاز متشرّعی است و ارتکاز متشرّعی اقحام را با نماز منافی می بیند.

و لکن افرادی که دقیق النظر اند و به این زودی قانع نمی شوند ممکن است بگویند این اتکاز از کجا ناشی شده است؟ الآن هم اگر کسی وارد مسجد شد و دید امام جماعت در رکوع است و ترسید به نماز نرسد در أول مسجد تکبیر می گوید و به رکوع می رود و بعد از رکوع چند متر جلو می رود تا به صف جماعت برسد: که مردم می گویند پیاده روی می کنی یا نماز جماعت میخوانی!! ولی روایات این را تجویز می کند یا مثل شیر دادن بچه یا آب کشیدن لباس که روایت تجویز می کند ولی خلاف ارتکاز متشرّعی است.

لذا یمکن أن یناقش فی هذا الوجه الثالث که: این ارتکاز های الآن، ناشی از فتواوا و عدم انس با روایات است.

ولکن به هر حال این وجه ثالث هم خالی از وجه نیست هر چند قابل مناقشه و بررسی است و ما در همان اقحام نماز میّت در نماز واجب، احتیاط می کنیم ولی اقحام نمازی که رکوع و سجود و سلام دارد، در نماز های دیگر بلااشکال صحیح نیست.

### نتیجه بحث از وجوه تصحح نماز عشاء

و لذا وجه سوم یعنی فرمایش مرحوم نائینی هم وجهی ندارد و اگر بعد از رکوع رکعت رابعه عشاء، ملتفت شویم که نماز مغرب را نخوانده ایم، نماز باطل است و بایدآن را رها کنیم و از ابتدا نماز مغرب و عشاء را بخوانیم.

1. وسائل الشيعة، ج‌13، ص: 490‌ [↑](#footnote-ref-1)
2. وسائل الشيعة، ج‌3، ص: 424‌ [↑](#footnote-ref-2)
3. وسائل الشيعة، ج‌3، ص: 482‌ [↑](#footnote-ref-3)
4. وسائل الشيعة، ج‌3، ص: 483‌ [↑](#footnote-ref-4)